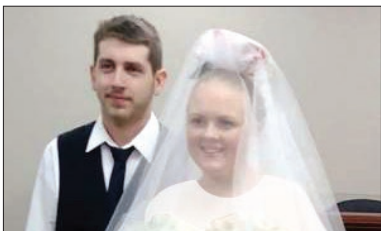


## دستگیری سارق زور گیر یک تن پسته

**توکلی** - سارق زور گیر یک تن پسته در کمتر از دو ساعت در عملیات مشترک پلیس انار و فسنجان به چنگ ماموران افتاد. فرمانده انتظامی انار کرمان گفت: در پی گزارش وقوع یک فقره سرقت به عنف که سارق اقدام به سرقت بیش از یک تن پسته با بستن دست و پای صاحب اموال کرده بودند، موضوع در دستور کار قرار گرفت. به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ خلیلی نژاد افزود: ماموران با اقدامات اطلاعاتی و همکاری پلیس رفسنجان سرانجام با اقدام به موقع موفق شدند کمتر از دو ساعت در منطقه کبوتر خان اموال سرقتی و یک دستگاه خودرو را به سرقت زور گیر در این زمینه خبر داد و خاطر نشان کرد: اموال سرقتی به مال باخته بازگردانده شد. وی با بیان این که متأسفانه کارفرمایان به رغم تاکیدات این فرماندهی در زمینه اتصال انبارها به سامانه مها کوتاهی می کنند، تصریح کرد: این سهل انگاری ها باعث سرقت شده است.

## مرگ تلخ عروس و داماد ۵ دقیقه بعد از عروسی!



عروس و داماد جوان که مدت زیادی عاشق یکدیگر بودند، بعد از مراسم عروسی طی اتفاقی جانشان را از دست دادند. به گزارش شبکه خبری تهران نیوز، زوج جوان آمریکایی به نام های «هارلی مورگان» ۱۹ ساله و «یانون بودریائوکس» ۲۰ ساله بعد از انجام مراسم ازدواج، سوار بر خودروی آرزو هاشدند تا به خانه بخت بروند، در طول مسیر خانواده های این زوج در پشت آن ها در حال حرکت بودند، اما شرایط همان گونه که پیش بینی می شد، پیش نرفت! آن ها در اتوبان پنج لاینه در حال حرکت بودند که یک کامیون که یک تراکتور به آن وصل بود، از پشت با خودروی این زوج جوان برخورد کرد که نتیجه آن هم از دست دادن کنترل فرمان و چپ شدن خودرو در حاشیه اتوبان شد و عروس و داماد جوان جان باختند. این اتفاقی زمانی رخ داد که خواهر و مادر هارلی پشت سر آن ها در حرکت بودند. مادر هارلی در مصاحبه ای با «KFDM» گفت: «من مرگ فرزندم را مشاهده کردم و تمام تلاشم را کردم که پسرم را از خودرو بیرون بیاورم. این تصویری است که در بقیه زندگی من وجود خواهد داشت. من آن را فراموش نخواهم کرد.» این زوج جوان گویا از گذشته عاشق یکدیگر بودند که متأسفانه دقیقاً ۵ دقیقه بعد از عروسی و در تصادفی شدید، جانشان را از دست دادند. راننده کامیون دستگیر شده است و هم اکنون پلیس در حال بررسی دقیق ماجراست.

## سارق پراید در تصادف کشته شد



رئیس کلانتری ۱۲۶ تهرانپارس از تصادف فوتی یک سارق، تنها دقیقی بعد از سرعت خودرویی در فلکه چهارم تهرانیقش خبر داد. به گزارش مهر، سرهنگ مجید عسگری نیا در تشریح این خبر، بیان کرد: ساعت ۳:۳۰ بامداد دوازدهم مهر ۹۸، تصادف شدید یک دستگاه خودروی سواری پراید با کامیون حمل زباله ای در فلکه چهارم تهرانپارس به سامانه ۱۱۰ پلیسی اعلام شد. وی بیان کرد: بلافاصله ماموران برای بررسی موضوع به محل اعلامی اعزام و متوجه شدند که راننده پراید پس از تصادف با یک دستگاه خودروی کامیونت حمل زباله، مصدوم و بلافاصله به بیمارستان منتقل شده و ولی به علت وارد شدن ضربه، فرد مصدوم فوت کرده است.

این مقام انتظامی تصریح کرد: در تحقیقات پلیسی مشخص شد که خودروی پراید با سرعت بالایی در یک خیابان یک طرفه در حرکت بوده که با کامیون به صورت شاخ به شاخ تصادف می کند. کلانتر محله تهرانپارس افزود: برای مشخص شدن هویت مالک خودرو، پلاک انتظامی خودرو و استعمال که با شناسایی مالک خودرو مشخص می شود که مالک خودرو زنده بوده در محل مسکونی اش مستقر است و متوفای مالک خودرو نیست. این مقام انتظامی افزود: مال باخته در حالی که هیچ خبری از سرقت شدن خودروی خود نداشت به تصور این که خودرو مقابل ساختمان در خیابان پارک است در ابتدا منکر تصادف شد ولی با بررسی دقیق تر به در دیده شدن خودرو اذعان کرد.

## مرد کریستالی همسرش را سر برید

# قاضی قاتل را فراری داد!

**سجادپور** - شب یک شنبه هیاهوی عجیبی در خیابان حر ۸۲ مشهد برپا بود. خبر قتل فجیع زن جوان دهان به دهان می پیچید. اهالی محل، مرد کریستالی را که سر و وضعی خون آلود داشت به داخل حیاط منزل ویلایی هدایت کردند و از چند دقیقه قبل و بعد از مصرف مواد افیونی، گلولی همسرش را به طرز فجیعی بریده بود! تماس اهالی با سامانه ۱۱۰، خش خش بی سیم های پلیس را به راه انداخت. لحظاتی بعد خودروهای گشت کلانتری شهید باهنر عازم پلاک ۴۸ شدند جایی که وقوع جنایتی هولناک، اهالی محل و رهگذران را به سوی منزل ویلایی می کشاند. نیروهای کلانتری بلافاصله قاتل خون آلود را درون یکی از اتاق ها زنده ای کردند و با قاضی ویژه قتل عمد تماس گرفتند. عقر به ساعت ها کنده می شدند و بعد از ۲۲ بوند که خودروی حامل مقام قضایی و کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی به محل رسید. کوچه محل وقوع جنایت، از جمعیت موج می زد و عبور از میان آن ها به سختی امکان پذیر بود. با حضور «قاضی کاظم میرزایی» تحقیقات در باره این جنایت وحشتناک آغاز شد. جسد مربوط به زن ۲۵ ساله ای به نام نازنین بود که با گلولی شکافته کف پذیرایی قرار داشت. خون زیادی گل های قهوه ای و سفید قالی را قرمز رنگ کرده بود. با دستور قاضی شعبه ۲۱۱ دادرسی عمومی و انقلاب مشهد ابتدا نیروهای انتظامی سه کدک ۱۱، ۹ و هفت ساله مقتول را از منزل بیرون بردند تا شاهد صحنه دلخراش مرگ مادرشان نباشند، سپس مرد کریستالی در حالی از اتاق منزل بیرون آورد شد که گویا هنوز خمار بود!! چشمان نیمه بازش را به زحمت به قاضی دوخت و گفت: پرورنده اش را بستم! آب آبروی من سرد شده بود! مرد کریستالی که حدود ۳۰ سال در دامه اظهاراتش ادعا کرد: زنم به من بهانمی داد، در

خانه ام دور بین کار گذاشته بودند و از من فیلم می گرفتند! من هم در خواب طوری با گلولیش را بریدم که تیغه چاقو شکست و ... این مرد کریستالی که گویی توهم ناشی از مواد مخدر سر اسر وجودش را تسخیر کرده بود، ادامه داد: مردم در کوچه و خیابان مرا «هو» می کردند! به طوری که رفتار و حرکاتم ریز نظر داشتند! گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، هنوز بررسی های میدانی مقام قضایی در محل وقوع جنایت ادامه داشت

که ناگهان فریادهای هولناکی از داخل کوچه، همه چیز را به هم ریخت. فریادهای «می کشمت! نیروهای انتظامی را به تکاپو وا داشت. با اشاره قاضی میرزایی، چند نفر از ماموران به بیرون از حیاط رفتند و بررسی های غیر محسوس نشان داد که عده ای با آلات قتاله پنهانی در صدور رود به منزل مسکونی هستند تا عامل جنایت را به قتل برسانند!

صدای فریادهای جیغ گونه هر لحظه بیشتر می شد و دیگر در کوچه مذکور جای سوزن انداختن نبود!

هر آن امکان داشت فاجعه ای رخ دهد که ناگهان چند نفر تلاش کردند در دیوار منزل ویلایی به درون حیاط بپرند در این هنگام بود که قاضی با تجربه ویژه قتل عمد به درگاه

منزل آمد و افراد مسلح به سلاح سرد و احتمالا سلاح گرم را روی دیوار میخکوب کرد و گفت: بهتر است خونسردی خود را حفظ کنید تا حادثه تلخ دیگری رقم نخورد! چند فرزندم کوربا دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

مقتول وجود ندارد!

ناگهان ذهن قاضی به یک ترنند خاص معطوف شد تا راه هدایت قاتل باز شود! چند لحظه بعد با دیدن این وضعیت به داخل کوچه رفتند و منتظر

نشانی می داد که هیچ راهی برای عبور دادن قاتل از میان جمعیت و اطرافیان خشمگین

</